

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال ششم - بهار 1405- شماره 24- ص 141-156

عوامل تضعیف نقش خانه داری زن

لیلا ذوالفقار اوغلی¹

چکیده

حضور و وجود زن در خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت به واسطه ی نقش و مسئولیت زن در خانواده می باشد. زن به عنوان مدیر و تدبیرگر خانه با حضور و انجام وظایف درست خود می تواند باعث رشد و تعالی خانواده شود. حضور مؤثر زن در خانه به معنای آن نیست که حضور زن در جامعه محدود شود، بلکه در جاهایی که نیازمند حضور زن هستیم مثل رشته پرستاری یا معلمی، زن باید حضور داشته باشد اما این فعالیتها نباید نقش خانه داری زن را به حاشیه براند یا بی اهمیت جلوه دهد. فعالیت زن در اجتماع خواه ناخواه باعث کم رنگ شدن حضور او در خانواده، تغییر دغدغهها و اهداف زن در زندگی و سپردن بحث تربیت فرزندان به غیر می شود، که گاه صدمات جبران ناپذیری مثل از هم پاشیدن خانواده یا به انحراف رفتن فرزندان را به دنبال دارد. عوامل زیادی وجود دارد که دست به دست هم داده اند تا نقش خانه داری زن را تضعیف یا بی ارزش جلوه دهند تا زن از جایگاه خود، نقش همسر بودن و مادر بودن خود احساس حقارت کند و نتواند در این جایگاه، نقش خود را به درستی ایفا کند، که این موضوع باعث ایجاد خسارات جبران ناپذیری بر پیکره ی خانواده و جامعه شده است. به همین دلیل در مقاله حاضر به بررسی عوامل تضعیف نقش خانه داری زن پرداخته شده است. عوامل زیادی وجود دارد که نقش خانه داری زن را تحت تاثیر قرار داده و باعث تضعیف نقش خانه داری زن شده است از جمله این عوامل می توان به عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی اشاره کرد. ترس از آینده، داشتن استقلال مالی، عدم پرداخت حقوق مالی زوجه توسط زوج و عدم ارزش گذاری خانه داری از جمله عوامل اقتصادی تضعیف نقش خانه داری زن می باشد. تجمل گرایی، الگوی نامناسب و تقلیدهای ناصحیح و تغییر نگرش نسبت به زن و خانه داری از جمله عوامل فرهنگی تضعیف نقش خانه داری زن می باشد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری مطالب، کتابخانه ای می باشد. نتیجه تحقیق حاکی از آن است که در بین عوامل تضعیف نقش خانه داری زن عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی نقش پررنگتری دارد. این عوامل علاوه بر تاثیر بر یکدیگر، زمینه ساز عوامل دیگر تضعیف نقش خانه داری زن شده اند.

واژگان کلیدی: زن، نقش، خانه داری، اقتصاد، فرهنگ

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) خواهران، بناب، آذربایجان شرقی.

مقدمه

عوامل یا نیروهای موثر، گاهی مانع حرکت هستند و گاهی عامل حرکت؛ گاهی عوامل ناخواسته مانع حرکت یا ایجاد اخلاص در حرکت می‌شوند و گاهی یک انگیزه خاص، عاملی را ایجاد می‌کند تا مانع حرکت یا عامل حرکت با شد و گاهی عاملی باعث ایجاد یا تقویت عوامل دیگر می‌شود. در رابطه با نقش خلنه‌داری زن نیز عوامل متعددی وجود دارد که می‌تولند آن را تضعیف یا تقویت کند.

نقش خلنه‌داری به دلیل محور بودن زن در خانواده از اهمیت بالایی برخوردار است. نقش خانه‌داری زن، نقشی است که به غیر از او کس دیگری از عهده انجام آن بر نمی‌آید. زن مایه آرامش خانواده است که همین امر سبب سلامت روانی خانواده و در نتیجه سلامت جامعه می‌شود. زن باعث بقای نوع بشر و رشد و بالندگی آن است. اگر نقش خانه‌داری زن تضعیف شود، بقای جامعه انسانی به خطر خواهد افتاد. زمانی که زن نقش مادر بودن و انسان ساز بودن خود به عنوان مربی انسان را نپذیرد بقای نوع بشر و سلامت جامعه از دست خواهد رفت. (به نظر نگارنده) جابجایی ارزش‌های حقیقی با ارزش‌های صوری، حاصلی جز اضطراب دائمی، فرار از ارزش‌های اخلاقی، اتلاف وقت و عمر و نهایتاً آشفتنگی‌ها و بی‌سرو سامانی‌های عمیق، نداشتن فرزندان در خانه‌های عاری از حضور و گرمای وجود مادر، گرفتار انواع نگرانی‌ها و اختلالات روحی می‌شوند. که نهایتاً به گسترش بزهکاری‌ها، بی‌بندوباری‌ها و اعتیاد به مواد مخدر منجر شده است. زمانی که ارزش‌گذاری‌ها با توانایی‌های اقتصادی سنجیده شود و زنانی که با نهایت کرامت توانسته‌اند فرزندان خوبی پرورش دهند و زمینه ساز حفظ ثبات و آرامش خانواده که خطیرترین وظیفه اجتماعی است دیده نشوند، نقش خانه‌داری خود را رها می‌کنند و کودکان از اساسی‌ترین ارزش که همان تربیت مادرانه است محروم می‌شوند، زیرا ارزش انسان‌ها به تربیت آنهاست. مقام مادری مقام تربیتی است و با ارزش‌های اقتصادی قابل اندازه‌گیری نیست. (اصغر طاهرزاده، ۱۳۸۷، ۹۴-۵۲)

به همین دلیل در مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سوال هستیم که چه عواملی باعث تضعیف نقش خانه‌داری زن شده است. همچنین با توجه به تغییر و تحولات عصر حاضر که باعث تغییر ارزش‌ها و جای‌گزینی ارزش‌های ساختگی و کاذب با ارزش‌های معنوی و الهی شده است، به عوامل اقتصادی و فرهنگی تضعیف نقش خانه‌داری زن نیز پرداخته شده است.

اسدالله بابایی و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله نقش اشتغال زنان بر ساختار خانواده که به بررسی متغیرهای پایگاه اجتماعی و اقتصادی و روابط اجتماعی، فشار کار و قدرت تصمیم‌گیری درون خانواده پرداخته‌اند، نتیجه به دست آمد حاکی از آن است که بیشترین متغیرهای موثر بر ساختار خانواده فشار کاری و میزان قدرت تصمیم‌گیری است. به همین دلیل از نظر کارکنان،

اشتغال آنان بیشتر، فشار کاری و میزان قدرت تصمیم گیری در درون خانواده را تحت تاثیر قرار می دهد.

- مائده رضایی (۱۴۰۰) در مقاله تاثیر اشتغال بر کاهش جمعیت در سبک زندگی غربی و راه های برون رفت از آن، به بررسی اهمیت شناخت سبک زندگی، ماهیت و شاخصه های سبک زندگی، دیدگاه اسلام و غرب به پدیده اشتغال زنان پرداخته است. حاصل تحقیق وی این است که زنان ترجیح می دهند، برای مدیریت زمان خود، به فکر فرزندآوری نباشند یا به تعداد محدود فرزندان رضایت دهند که این خود آسب بزرگی برای جامعه است. کاهش جمعیت، سبب کاهش توان و قدرت نیروی دفاعی جامعه و به سبب آن توقف رشد و توسعه اقتصادی شده و راه های استثمار منابع طبیعی را برای غرب باز خواهد کرد.

- در مقاله دیگر با عنوان مطالعه تف سیری نقش خانه داری که نوشته از اعظم بدری منش و سهیلا صادقی فسایی (۱۳۹۴) می باشد، به چگونگی تقسیم کار در خانواده و تبیین نگرش خود زنان به عنوان ایفاکنندگان نقش خانه داری پرداخته است. نتیجه این مقاله نشان می دهد که با وجود تغییرات بسیار در وضعیت زنان، هم چنان مسئولیت مهم ترین کارهای خانه بر دوش زنان است. بیشتر زنان انتقادهای شدید به کار خانگی مبنی بر پایان ناپذیری، انزوا و تکراری بودن آن دارند و تحلیل گرایش های فمینیستی درباره بردگی و تحت ستم بودن زنان در خانه داری و استثمار از سوی مردان را قبول ندارند. آنها در نهایت خواهان تغییراتی به منظور بهبود وضعیت خویش هستند که شامل استقرار منبع مالی مستقل و همکاری و قدردانی سایر اعضای خانواده به ویژه مردان از آنهاست.

- دکتر امیر رستگار خالد (۱۳۸۵) در مقاله خود تحت عنوان اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی که به بررسی ویژگی های شغلی و خانوادگی که می تواند به زنان شاغل در مدیریت نقش های چندگانه و کاهش فشار کمک کند؛ به این نتیجه دست یافته است که مشارکت همسر در کار خانه، تحصیلات وی، احساس برابری زوجین در تقسیم کار خانگی، میزان رضایت زنان از شغل خود، انگیزه اشتغال، محتوای شغل، انعطاف شغلی، سابقه کار و حجم ساعات کار هفتگی، منابع مطلوبی برای زنان در جهت انطباق با فشار به شمار می آیند. در مقالات ذکر شده، بیشتر به سختی ها و مشکلات اشتغال و خواسته های زنان شاغل که نقش خانه داری زن و خانواده را نیز تحت تاثیر قرار می دهد اشاره شده است. همچنین در یکی از مقالاتی که در اینجا آورده شده است به تاثیر منفی اشتغال زنان بر خانواده و جامعه، آن هم تنها در یک بعد، یعنی کاهش جمعیت پرداخته شده است. در هیچ یک از مقالات ذکر شده به عوامل تضعیف نقش خانه داری زن اشاره نشده است. در مقاله حاضر به دلیل اهمیت نقش

خانه‌داری زن و تاثیر آن بر ساختار خانواده و جامعه، عوامل تضعیف نقش خانه‌داری زن مورد بررسی قرار گرفته است.

مفهوم شناسی

برای درک بهتر اهمیت موضوع آشنایی با مفهوم لغوی و اصطلاحی واژگان تاثیر بسزایی دارد. به همین دلیل ابتدا به بیان معنای لغوی و اصطلاحی نقش و خانه داری می‌پردازیم. برای واژه ی نقش در لغت‌نامه‌های متعدد معانی زیادی به کار رفته است از جمله: نگاشتن، نشان، اثر، کارکرد. (دهخدا، ۱۳۷۷، جلد ۱۴) و مفهوم اصطلاحی آن عبارت است از: نشان و اثر گذاشتن در روی زمین توسط کسی یا چیزی که از روی مهارت و تردستی انجام بگیرد. (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۶، جلد ۸)

واژه ۶-ی خلنه‌دار در لغت به معنای تدبیر منزل، مواظبت در کارهای خلنه و میلنه‌روی است. (دهخدا، ۱۳۷۷، جلد ۶) معنای اصطلاحی خانه‌داری یعنی مهارت انجام دادن و رسیدگی کردن به کارها و امور خانه با به کارگیری نظم و اقتصاد. (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۶، جلد ۲ و ۴) اهمیت خانه داری

هسته و کانون اولیه جامعه خانواده است و زن کانون خانواده می‌باشد که با تربیت صحیح فرزندان و انرژی بخشی به دیگر اعضای خانواده به آنها جهت، حرکت و نشاط می‌دهند. این امر موجب رونق حرکت و کمال جامعه می‌شود؛ چرا که افراد جامعه دارای انگیزه لازم برای پیشرفت هستند.

خانواده و جامعه فعال جزء در پرتو زنان سال، هدفمند، عالم و با انگیزه محقق نمی‌شود. جایگاه مادری و همسری برای بانوان در فرهنگ ما با مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها و تعهدها همراه است که هیچ زنی منکر آن نیست. ارزش‌گذاری اجتماعی و فرهنگی کار خانگی زنان از لحاظ روانی، باعث آرامش و قوت قلب می‌شود چه تاثیر بسزایی در افزایش بهره‌وری و اصلاح الگوی مصرف جامعه و کمک به اقتصاد خانواده و جامعه می‌شود. (الهام شریفی و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۷۹-۱۸۸)

خانه داری در اقتصاد، فرهنگ و اجتماع تاثیر انکارناپذیر دارد. وقتی زن خانه‌دار با تلاش‌هایش کانون خانواده را گرم می‌کند و با تربیت فرزند به ایجاد نسلی تحصیل کرده و موفق کمک می‌کند به فرهنگ و اجتماع خدمت می‌دهد، ضمن اینکه او با ارائه فعالیت‌های رایگان به خانواده، به اقتصاد آن نیز کمک می‌کند، چون اگر زن دست از کارهای خانه می‌کشد و اعضای خانواده مجبور می‌شوند برای دریافت هر خدمتی هزینه پرداخت کنند، فشار اقتصادی بر خانواده تحمیل می‌شود.

خانه داری م ساوی با بیکاری نی ست، بلکه خانه داری و ایفای نقش مادری و هم سری ب ستر فرهنگ- سازی و اصلاح اجتماع و رشد انسان ها ست؛ زیرا فرایند مهم تربیتی، عاطفی، اخلاقی و... نیز بر حضور موثر زن در خانه مترتب است. (الهام شریفی و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۶۲-۱۷۰)

در روایات اسلامی نیز به ارزش و جایگاه مادری و هم سری زنان توجه ویژه شده است و مسئولیت زن در خانه را برابر با جهاد دانسته اند. از جمله روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که می فرماید: خداوند جهاد هر یک از زن های امت من را صبر بر مشکلات زندگی و به حساب خدا گذاشتن آنها قرار داده است؛ پس کسی که چنین کند، خداوند اجر شهید را به او اعطا می کند. (الهام شریفی و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۶۶)

شاید در گذشته جایگاه و اهمیت نقش خانه داری زن برای دیگران قابل فهم و درک نبود، اما در عصر حاضر و با کم رنگ شدن نقش خانه داری زن و تمایل زنان به اشتباه و حضور فعال و پررنگ در بیرون از منزل، اهمیت این جایگاه و آسیب های تضعیف نقش خانه داری زن برای همه آشکار شده است. از جمله عوامل تضعیف نقش خانه داری زن، عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی می باشد. (به نظر نگارنده)

عوامل اقتصادی

۱- ترس از آینده

دگرگونی های دهه اخیر، در کشورهای مختلف، سبب افزایش مجرد زنان و نیز آمار طلاق شده است. بدین ترتیب، دختران جوان احتمال بیشتری می دهند که در آینده فرصت ازدواج را به دست نیاورند یا پس از ازدواج با نگرانی بیشتری از طلاق مواجه اند.

از سوی دیگر، تحولات خانواده و کم شدن اعضای خانواده در پی کاهش فرزندآوری، به کاهش میزان حمایت های اقتصادی خانواده از اعضای خود انجامیده است. بنابراین زنان از آینده اقتصادی خود بیم دارند و به همین دلیل به درآمدزایی، به ویژه به دست آوردن مشاغل ثابت و اداری تمایل دارند.

توقع برخی مردان در زمینه مشارکت زنان برای تامین هزینه های خانواده و احتمال اعتیاد شوهر، احتمال اخراج همسر از محیط کار، ناکافی بودن حقوق بازنشستگی و خدمات تامین اجتماعی مردان سرپرست خانواده سبب افزایش نگرانی زنان از آینده شده است. (لیلا سادات زعفرانچی، ۱۳۸۸، ۳۹-۳۸) تمامی این نگرانی ها سبب شده است تا زنان برای به دست آوردن شغل مناسب و کسب درآمد، بیشتر تمایل به حضور در خارج از خانه داشته باشد و مسئولیت خانه داری را که فاقد ارزش و درآمد مالی مستقیم برای زنان است رها کنند. چون مسئولیت خانه داری، هیچ تضمینی برای تامین آینده و رفع نگرانی و مشکلات مالی آنان ندارد. (به نظر نگارنده)

۲- عدم پرداخت حقوق مالی زوجه توسط زوج

واقعیت این است که کارهای داخل خانه برای زن فضیلت بیشتری دارد و این موضوع در نظر شرع مقدّس، مسلم است؛ زیرا پذیرش و انجام کارهای خانگی به منزله پایین بودن منزلت آن در خانواده و اجتماع نیست. (فرشته ندری ابیانه، ۱۳۸۵) دین اسلام بر اساس جامعیت، علاوه بر تبیین وظایف انسان در برابر خداوند، به تنظیم روابط او با هم‌نوعانش نیز پرداخته است؛ تا جامعه مطلوب و ایده آلی که در پی آن است، تحقق یابد. از جمله مقررات اجتماعی اسلام، حقوق و وظایفی است که اعضا یک خانواده، به ویژه زن و شوهر از آن برخوردارند.

با عقد ازدواج و تشکیل خانواده، رابطه زوجیت محقق شده و هر یک از زن و شوهر در قبال دیگری، دارای حقوقی شده که دیگری مکلف به مراعات آنها است. از جمله این حقوق، حقوق مالی می‌باشد که غالباً از آن زن است و عبارتند از: ۱- مهریه ۲- نفقه

مهریه مالی است که به سبب عقد نکاح، زوج ملزم به پرداخت آن به زوجه می‌شود. مهر، در حقیقت هبه و بخششی مجانی است که زوج مکلف به پرداخت آن است. (مهدی سجادی امین؛ ۱۳۸۸) اما نفقه، تامین هزینه‌های متعارف زندگی زوجه است، که شامل هزینه خوراک و پوشاک، تهیه مسکن و اسباب زندگی و... می‌باشد. عدم تامین حقوق مالی زوجه توسط زوج، گاهی به دلیل عدم توانایی مالی زوج است، که سبب می‌شود نیازهای اساسی زن و هزینه‌های زندگی توسط شوهر تامین نشود و زن به اجبار برای کمک به تامین هزینه‌های زندگی و رفع نیازهای اساسی خود و خانواده به اشتغال در خارج از خانه روی آورد. و گاهی این عدم تامین به دلیل عدم مسئولیت‌پذیری زوج در مقابل زوجه می‌باشد. (به نظرنگارنده).

کار زن در خانه و اهمیت آن

متأسفانه از تأکید اسلام به کار زنان در خانه، سوءاستفاده می‌شود. کار زن در خانه، از نظر اسلام، تکلیف او نیست، بلکه شرافت فضیلتی برای او است که اگر به آن همت بگمارد و بخواهد آن را رایگان در اختیار همسر و فرزندانش قرار دهد در نزد خدا مآجور خواهد بود، و اگر بخواهد در قبال آن دست‌مزدی دریافت کند حق دارد و شرع این مطلب را حق مسلم زنان انگاشته است؛ ولی متأسفانه در مرحله عمل در این زمینه، حق عظیمی - در سطح کلان - از زنان نادیده گرفته می‌شود. (فرشته ندری ابیانه) در اینجا مرد توانایی تامین حقوق مالی زن را دارد، اما از انجام تکلیف و مسئولیت خود شانه خالی می‌کند. هر چند در این مورد، زن می‌تواند با مراجعه به قانون، حق خود را مطالبه کند، اما چون در بیشتر موارد، مراجعه به قانون موجب سردی روابط زن و شوهر و حتی طلاق می‌شود و همچنین وجود فرزند در این میان، مانع می‌شود که زن برای مطالبه حق خود به قانون مراجعه کند و به ناچار اشتغال در خارج از خانه را می‌پذیرد؛

که موجب کم‌رنگ شدن حضور زن در خانه و انجام مسئولیت خانه‌داری می‌شود. (به نظر نگارنده)

۳- داشتن استقلال مالی

استقلال در لغت به معنای آزادی داشتن، به آزادی کار کردن، بدون مداخله کسی کار خود را اداره کردن و در اصطلاح عبارت است از: اهلیت مالکیت و صلاحیت بهره‌مندی از اموال. (طیبه ابراهیمی - زهرا فرهادی، ۱۴۰۲، ۲۶۲) حقوق مالی زن و مرد، قبل از اسلام وجود داشته و شعار مقدس آنها را امضا نموده است و بر مصلحت وجودی آنها صحه گذاشته است. در قوانین کشور ایران که برگرفته از فقه اسلامی است، زن اعم از اینکه مجرد باشد یا متأهل، می‌تواند دارای مستقل داشته باشد و برای تصرف در اموال خود نیاز به اذن یا اجازه پدر یا شوهر خود ندارد، بنابراین زن شوهردار، طبق قوانین کشور ایران دارای استقلال مالی است.

زن مالک ارث، نفقه، مهر، مزد شیر و نتیجه کار و فعالیت خویش هستند و در این جهت خواست و اراده دیگران تاثیر ندارد. (طیبه ابراهیمی - زهرا فرهادی، ۱۴۰۴، ۲۶۴-۲۶۵) انگیزه که سبب شد، اسلام به زن استقلال مالی بدهد، جز جنبه‌های انسانی و عدالت دوستی و الهی اسلام نبوده است. اسلام به شکل بی سابقه ای جانب زن را در مسائل مالی و اقتصادی رعایت کرده است. (مریم احمد پور، ۱۳۹۰، ۱۹۷) سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که با وجود حقوق مادی و استقلال مالی که اسلام به زنان داده است، چرا زنان به دنبال استقلال مالی از طریق اشتغال در خارج از خانه هستند؟ واقعیت این است که با وجود حقوق مالی که در قوانین اسلام و کشور ما برای زنان در نظر گرفته شده است، به دلیل فرهنگ حاکم بر جامعه که نشأت گرفته از فرهنگ مردسالاری، که میراث گذشته نه چندان دور می‌باشد، بسیاری از زنان تا آخر عمر بهره‌ای از حقوق مالی یاد شده نمی‌برند این امر سبب می‌شود که زن استقلال مالی و در نتیجه استقلال فکری و قدرت تصمیم‌گیری و اعتماد به نفس را تجربه نکند. دلیل دیگر ارزش‌های نهادینه شده در بین زنان و جامعه است. با ورود بانوان در عرصه کسب علم و دانش و تحصیلات عالی، اشتغال زنان در خارج از خانه و داشتن استقلال مالی، باعث شده است که زنان شاغل در خارج از خانه از احترام، ارزش و جایگاه ویژه‌ای نسبت به زنان خانه‌دار برخوردار باشند. به همین دلیل زنان خانه‌دار برای به دست آوردن احترام، قدرت تصمیم‌گیری و استقلال فکری به دنبال استقلال مالی از طریق اشتغال در خارج از خانه باشند و این مسئله باعث تضعیف نقش خانه‌داری زن شده است. (به نظر نگارنده) در واقع، زن با کار و فعالیت اجتماعی، قدرت خلاقیت، کارآیی و استقلال بیشتری می‌یابد؛ چرا که زن در ازای دریافت وجه حاصل از فعالیت‌های اجتماعی و همچنین تبادل اطلاعات و تعامل اجتماعی، استقلال عمل بیشتری می‌یابد. (فرشته ندری ابیانه، ۱۳۸۵)

۴- عدم ارزش گذاری کار خانه داری

فعالیت‌های خانه‌داری با توجه به اینکه اثر بسزایی در زمینه نگهداری، تداوم منابع انسانی و مراقبت از کبان خانواده دارند، بر مطلوبیت افراد خانواده و جامعه، اثرگذار و از اهمیت بالایی برخوردار هستند. اما ارزش اقتصادی این قبیل فعالیت‌ها در حسابرسی‌ها و آمارگیری‌های ملی به حساب نمی‌آید. به هر حال فعالیت‌های خانه‌داری، دارای ارزش اکتسابی هستند که نباید نادیده گرفته شود. (یگانه موسوی جهرمی و دیگران، ۱۳۹۷، ۱۱۲)

طبق تعریف مرکز آمار ایران؛ خانه دار، فردی است که شاغل، بیکار، جویای کار و محصل به حساب نمی‌آید. (محمدباقر علیزاده اقدم و دیگران، ۱۳۹۹، ۹۶) هر خدمتی که در خلنه ارائه می‌شود، اگر زن انجام ندهد، اعضای خانواده مجبور می‌شوند، کسی را در ازای دریافت پول به خدمت بگیرند. پس فعالیت زن در خانه، نوعی پس‌انداز است که البته به چشم نمی‌آید. خانه داری حتی ارزش افزوده نیز دارد؛ برای نمونه، اگر یک ماه هزینه‌های کارهایی که زن در خلنه انجام می‌دهد محاسبه شود، ارزش کارش مشخص خواهد شد و مشاهده می‌شود که خانه‌داری زن علاوه بر سایر مزایایی که دارد از لحاظ اقتصاد فردی نیز مقرون به صرفه است. (الهام شریفی و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۶۳) عدم ارزش‌گذاری سبب شده است که زنان خود نیز در مولد بودن خود دچار شک و تردید گردند؛ و فعالیت‌های خود در درون خانه را شغل به حساب نیاورند و از آن جهت که زنان خانه‌دار فاقد فضاها اجتماعی رسمی برای طرح مسائل خود می‌باشند، بسیاری از مسائل مربوط به آنها به صورت پنهان باقی بماند که باعث بروز مشکلات عدیده برای زنان و به تبع آن برای جامعه می‌شود. (محمدباقر علیزاده اقدم و دیگران، ۱۳۹۹، ۹۸)

در تمام جوامع، پول و ثروت نقش ویژه‌ای در تعیین جایگاه و موقعیت افراد بر عهده دارد و زنان کار خانگی را بدون دریافت حداقل دستمزد انجام می‌دهند، جایگاه آنان و به تبع آن ارزش فعالیت و کارهایی که انجام می‌دهند محاسبه نشده و بیشتر مردم آن را شغلی می‌دانند که نیاز به مهارت و تخصص خاصی ندارد و به همین دلیل اهمیت و ارزش نخواهد داشت و این در صورتی است که خانه‌داری شغل و فعالیتی بسیار وقت‌گیر است و نیاز به انرژی و وقت زیادی دارد. (محمدباقر علیزاده اقدم و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۲۹)

در بعد اقتصادی زنان عملاً دو یا چند شغل دارند ولی تنها در قبال انجام وظایف شغلی خود که سبب درآمد می‌کنند و ایفای نقش و انجام دیگر وظایف آنان بدون مزد و رایگان است. (مراد برادران و دیگران، ۱۴۰۲، ۳۶)

این عدم ارزش‌گذاری سبب شده است که فعالیت زنان خانه‌دار، که همراه با ایثار و فداکاری است، دیده نشود این دیده و شنیده نشدن باعث می‌شود که زنان اعتماد به نفس خود را از

دست دهند و به دنبال راهی جایگزین برای دیده شدن باشند، که در اکثر مواقع به اشتغال در خارج از خانه که همراه با دیده شدن و ارزش گذاری است روی بیاورند. (به قلم نگارنده)

عوامل فرهنگی

۱- تجمل گرایی

بزرگترین ظلم انسان به خودش این است که در اثر افراط و تفریط، بی نظمی و رعایت نکردن ضوابط زندگی، دچار فساد و اختلال در وجود و قوای خود شود. (حسین افسردیر، عصمت رحیمی، ۱۳۹۳، ۱۰۲) تجمل گرایی به معنای میل و رغبت کردن به تجملات و توجه به ظواهر زندگی می باشد و نیز گاهی به جای آن، کلمه "تجمل پرستی" به کار برده می شود. که برای بیان مقصود گویاتر است و درجه وابستگی و بندگی تجمل پرستان را نسبت به وسایل لوکس، زینتی و تشریفاتی را بهتر می ترساند. در واقع تجمل گرایی یک نوع علاقه افراطی به زینت کردن و استفاده از وسایل زینتی است. آنچه در تجمل گرایی مهم است، علاقه افراطی است و گر نه استفاده متعارف در حد نیاز، نکوهیده نیست. (حسین افسردیر، عصمت رحیمی، ۱۳۹۳، ۱۰۵)

تجمل گرایی از آن جمله اعمالی است که آسیبها و نتایج زیان باری را در دراز مدت یا کوتاه مدت در زندگی انسان و به تبع آن در جامعه بر جای می گذارد. (حسین افسردیر، عصمت رحیمی، ۱۳۹۳، ۱۰۸) از جمله تبعات تجمل گرایی، مصرف گرایی است. مصرف گرایی یعنی استفاده بیش از حد از کالاها و خدمات و روی آوردن به تجمل گرایی و اشراف گرایی. هر چند نیازهای زندگی و استفاده از نعمت های الهی یک امر لازم و مورد تاکید است. لیکن گروهی از مردم در این باره زیاده روی می کنند و به تجمل محوری گرفتار می شوند. لذا تجمل گرایی ریشه در اشراف دارد که باعث استهلاک، از بین بردن اموال و هزینه کردن بیهوده می شود. تجمل گرایی و رفاه طلبی سبب می شود بیشتر از آنچه به دست می آورد یا تولید می کند مصرف کند. (حسین افسردیر، عصمت رحیمی، ۱۳۹۳، ۱۱۲)

یکی دیگر از پیامدهای سوء که بر اثر تجمل گرایی و عدم توجه به میل نه روی به وجود می آید، پیدایش فقر، رشد و گسترش آن است که این امر، ناشی از مصرف بیش از حد انسانها در جامعه است. تجمل گرایی یکی از عوامل به وجود آورنده فقر است. زیرا در زندگی سالم و اقتصادی درآمد شخص یا جامعه از هزینه آن کمتر نیست یا دست کم با آن برابر است. بنابراین افراد زیادی به سبب خود گرفتن با اشرافیگری دست به ریخت و پاش های بی حد و حساب می زنند و به زیاده روی در مصرف و تجملات روی می آورند و امکانات مادی بیشتر را صرف هوس های خود می کنند. (حسین افسردیر، عصمت رحیمی، ۱۳۹۳، ۱۱۴)

این ریخت و پاش‌های بی‌حد و حساب و هزینه‌های اضافی سبب تهی دستی و شکست مالی خانواده می‌شود. در نتیجه درآمد مرد نمی‌تواند به تنهایی جوازگویی هزینه‌های خانواده باشد و باعث می‌شود سایر اعضای خانواده به خصوصاً مادر خانواده نیز به اجبار به دنبال کسب درآمد برای جبران کسری مالی خانواده باشند و خانواده قربانی خواسته‌های بی‌حد و حساب شده و مسئولیت و نقش خانه‌داری زن که قرار بود زمینه ساز آسایش و آرامش خانه و تربیت نسل سالم جامعه باشد، به حاشیه می‌رود و تربیت نسل سالم و جامعه سالم به خطر می‌افتد. (به نظر نگارنده) زیرا مادر وسیع‌ترین دنیای روانی و اجتماعی کودک است و از نظر کودک، همچون کسی است که تمام نقاط این جهان اطلاع دارد. اشتغال مادر موجب اختلال در تکوین دل‌بستگی کودک نسبت به مادر

می‌شود؛ زیرا مراقبت کودک از حالت انفرادی به حالت گروهی در می‌آید و در نتیجه، دل‌بستگی کودک نسبت به مادر از حالت طبیعی خارج می‌گردد. مادران شاغل نمی‌توانند همانند مادران غیر شاغل به طور تمام و کمال، به کودکان خود رسیدگی کنند؛ چون مادر چندین ساعت از روز را خواه ناخواه جدای از فرزند به سر می‌برد. مادر وقتی پس از سپری شدن این ساعات، به فرزند می‌رسد خستگی ناشی از دنیای ماشینی امروز و خستگی فکری و ذهنی به او اجازه نمی‌دهد که در ساعات باقی مانده روز به کودک رسیدگی مکفی و لازم بنماید. (فرشته ندری ابیانه، ۱۳۸۵)

۲- الگوگیری نامناسب و تقلیدهای ناصحیح

آدمی، در ابعاد گوناگون زندگی و در خوی و منش اخلاقی خود، سخت‌تأثیرپذیر است، الگوها در شکل‌دهی شخصیت و رفتار آدمی تأثیر بسزایی دارند. در امور اقتصادی و مصرف‌نیز، الگو گرفتن از زندگی افراد مرفه و به ویژه چشم‌هم‌چشمی با آنان، از آسیب‌های مهم زندگی اجتماعی است. (حسین افسردیر، عصمت رحیمی، ۱۳۹۳، ۱۱۷) اگر الگوپذیری با هدایت عقل و انتخاب الگوی صحیح و مناسب همراه باشد، انسان را در مسیر رشد، کمال و رسیدن به فضایل کمک خواهد کرد، چنانچه با جهل و خواسته‌های نفسانی همراه باشد نتایج خطرناک و زیانباری در زندگی انسان دارد و به بزرگ‌ترین مانع در راه هدایت انسان تبدیل خواهد شد. (حسین افسردیر، عصمت رحیمی، ۱۳۹۳، ۱۲۲)

انتخاب الگوی نامناسب و تقلید نامناسب صحیح زمانی اتفاق می‌افتد که فرد هویت خود را نشناخت و قبول نکند یا الگوی مناسبی در اختیار نداشته باشد. زمانی که زن هویت مادری و هم‌سری و نقش خانه‌داری خود را نشناخت و قبول نکند، در انتخاب الگو هویت و نقش خود را در نظر نمی‌گیرد. فردی که هویت خود را قبول نکند، سعی می‌کند از هویت خود فرار کند و هویت جدیدی برای خود بسازد. (به قلم نگارنده). دل‌سردی از نقش نیز عامل دیگر انتخاب الگوی

نامناسب و تقلیدهای ناصحیح است و هنگامی اتفاق می‌افتد که نقش معینی در زندگی فرد از اولویت و اهمیت برخوردار نیست و شخص به جای آنکه نقش را در ذهن و روح خود جایگزین کند، آن را تنها به این دلیل می‌پذیرد که ضرورت ایجاد می‌کند یا دیگران از او انتظار دارند. ایفای نقش در این حالت، غالباً با فشارهای روانی همراه است، تا جایی که فرد ممکن است اولویت خود را تغییر داده، نقش جدیدی را به عنوان امری مثبت پذیرا شود یا به آن صورت نمایشی بدهد و در عمل، خود را جدا از یکی از دو نقش احساس کند، به گونه‌ای که از کارش نتیجه‌ای مطلوب به دست نمی‌آورد. (فرشته ندری ایبانه، ۱۳۸۵) بنابراین دنبال نقش جدید و الگوی جدید می‌رود که در تضاد و نقش خانه‌داری زن می‌باشد و این الگو چون هویت اصلی و نقش خانه‌داری زن را کم رنگ کرده و به حاشیه می‌راند، الگوی نامناسب و تقلید ناصحیح است. شاید برای جوامع غربی که در عصر حاضر نیز با تحولات فرهنگی درگیرند با تحولات فرهنگی درگیر است که فروپاشی خانواده را نشانه گرفته است، الگوی مناسبی برای زن و هویت زنانه او وجود نداشته باشد؛ اما برای زنان مسلمان بهترین الگویی که می‌تواند ارزش و جایگاه زن را به اوج برساند، دختر پیامبر گرامی اسلام، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌باشد. که به هویت و نقش خانه‌داری خود افتخار می‌کرد و زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جریان تقسیم کار، مسئولیت و مدیریت خانه را به آن حضرت سپرده‌اند، ایشان با خوشحالی آن را پذیرفت. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با وجود اشتغال به خانه‌داری و مدیریت خانه، نه از کسب علم باز ماند و نه از حضور اجتماعی و در میان زنان سرآمد بود. (به نظر نگارنده)

۳- تغییر نوع نگرش به زن و خانه داری

نگرش‌ها نقش بسیار مهمی در زندگی، اندیشه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان دارند. نگرش، نمایانگر ارزیابی کلی فرد از یک موضوع است. مؤلفه‌های این ارزیابی کلی ممکن است عاطفی، شناختی و رفتاری باشند و شامل تمام اطلاعاتی باشند که ماهیت ارزیابانه دارند. به طور کلی ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی‌ها برای عمل نسبت به یک چیز معین را نگرش شخص نسبت به آن چیز می‌گویند. نگرش مجموعه‌ای از اعتقادات، عواطف و نیت رفتاری نسبت به یک شیء، شخص یا واقع است. به عبارتی تمایل نسبتاً پایدار به شخصی، چیزی یا رویدادی است که در احساس و رفتار نمایان می‌شود. نگرش نشان‌دهنده اثر شناختی و عاطفی به جای تجربه‌ی شخص از شیء یا موضوع اجتماعی مورد نگرش و یک تمایل به پاسخ در برابر آن شیء است. نگرش‌ها در زمینه‌ی سازی و شکل‌دهی به رفتارها، ایجاد انگیزش‌ها، ارضای نیازها و جهت‌دهی به گرایش‌ها تاثیر جدی دارد. نگرش یک حلت روانی و عصبی آمادگی است که از طریق تجربه سازمان یافته و تأثیری هدایتی یا پویا بر پاسخ‌های فرد، در برابر کلیه اشیاء یا محیط‌هایی که به آن مربوط می‌شود، دارد. نگرش نظامی با دوام

است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک تمایل به عمل است. ویژگی همه نگرش‌ها آن است که موجب طبقه‌بندی و سازماندهی محیط پیچیده پیرامون فرد می‌شوند. نگرش‌ها ممکن است سودگرایانه یا در خدمت برآورده کردن نیازهای روانی سطح بالاتر نظیر بیان ارزش‌ها، سازگاری اجتماعی و کاستن تهدیدات و یا کاهش تعارضات درونی باشند. نیرومندی نگرش‌ها تحت تأثیر ویژگی‌هایی نظیر شدت، اطمینان، در دسترس بودن و عدم دوسوگرایی است. نگرش از طریق عمل یادگیری نیز حاصل می‌شود؛ افراد درباره مذهب، سیاست، لباس، موسیقی، غذا و تقریباً هر چیزی نگرش خاص دارند. انسان برای نگرش خود دارای الگو می‌شود و تغییر چنین الگویی مستلزم تعدیلاتی است که به زحمت می‌توان از عهده آن برآمد. (مراد عبدی ورمزان ۵-۴)

با تغییر در نگرش، تغییر در رفتار افراد نیز اتفاق می‌افتد. تغییر در نگرش اغنا یا متقاعد سازی و تغییر نظام شناختی افراد با استفاده از روش‌های مختلفی مثل تبلیغ اتفاق می‌افتد. (مراد عبدی ورمزان، ۹)

یکی از مسائلی که طی سال‌های اخیر باعث تغییر نگرش نسبت به زن و خانه‌داری شده است؛ مسئله‌ای تحت عنوان فمینیسم یا "نه ضت احیای حقوق زنان" است. فمینیسم سوغات فرهنگ غرب و نظام سرمایه‌داری و ثمره نگاه غرب به زن و نقش خانه‌داری است. با وجود آنکه انتظار می‌رفت نه ضت فمینیسم، افق‌های تازه فراروی زنان گشوده و آنان را به جایگاهی امن ارتقا دهد، پیامدهای این نه ضت، تصویر می‌دهد که بی‌شتر گویای تامین شدن منافع نظام سرمایه‌داری و تبدیل شدن فمینیسم به ابزاری مهم در پروژه جهانی سازی است تا تحصیل منافع زنان. (عباس یزدانی، بهروز جندقی، ۱۳۸۸، ۱۳۴)

جنبش فمینیسم با روح سکولاری که بر آن حاکم است دشمن واقعی روحیه مادری و ایثار زنان شد، به اسم استیفای حقوق از دست رفته زنان، بزرگ‌ترین ظلم را به زنان کردند. با تحقیر کار در خانه، آنان را گرفتار استثمار کارخانه‌ها و شرکت‌های بی‌رحم نمودند. (اصغر طاهرزاده، ۱۳۸۷، ۳۷) جنبش فمینیسم در سراسر جهان، با ترفندهای گوناگون توانسته است زنان را از وظیفه اصلی خود یعنی "مادری کردن" و "ایجاد تعادل و آرامش محیط خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی" جدا کرده و به کارهای ظاهراً مهم و در واقع نمایشی بگمارد. (اصغر طاهر زاده، ۱۳۸۷، ۵۱)

شکل‌گیری جنبش فمینیسم و حرکت‌های اجتماعی دیگر که ادعای حمایت از زن و حقوق زن را داشتند، به خاطر ظلم‌هایی بود که طی قرن‌های متمادی در حق زن غربی می‌شد. جنبش فمینیسم با شعار برابری زن و مرد، موجب شد که زن مسئولیت‌هایی را در جامعه بپذیرد که خارج از توان او بود. حقارت‌هایی که زن غربی در نقش و مسئولیت خانه داری متحمل شده بود،

سبب شد که زنان غربی از هویت خود فاصله بگیرند. این جنبش‌ها در مسیر خود به خاطر افراط و تفریط‌هایی که داشتند دچار انحراف شدند و تبدیل به ابزاری در دست سرمایه‌داران، برای استثمار زنان شدند. سرمایه‌داران، برای بهره‌کشی از وجود زن، با تبلیغات فراوان به تحقیر زن در نقش خانه‌داری پرداختند به طوری که در سایه این تبلیغات، خود زنان نیز احساس حقارت می‌کردند. و این مسئله سبب تغییر نگرش، نسبت به زن، هویت و نقش خانه‌داری او شد. (به نظر نگارنده)

نتیجه‌گیری

با توجه به تغییر و تحولات ایجاد شده در ساختار خانواده در دهه‌های اخیر و تضعیف نقش خانه‌داری زن، در این تحقیق به دلیل اهمیت و جایگاه نقش خانه‌داری زن، مخصو صاً نقش تربیتی زن، چه بیان‌کننده ارزش انسان است، به عوامل تضعیف‌کننده نقش خانه‌داری زن، پرداخته شده است.

عوامل زیادی وجود دارد که باعث تضعیف نقش خانه‌داری زن شده است. با مطالعه کتب و مقالات مرتبط این نتیجه حاصل شد که در میان عوامل تضعیف‌کننده نقش خانه‌داری زن، عوامل اقتصادی و فرهنگی نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر عوامل و در مواردی ایجاد‌کننده عوامل دیگر از جمله عوامل اجتماعی و سیاسی هستند.

عوامل اقتصادی تضعیف نقش خانه‌داری زن عبارتند از: ترس از آینده، داشتن استقلال مالی، عدم پرداخت حقوق مالی زوجه توسط زوج و عدم ارزش‌گذاری کار خانه‌داری. در تمامی عوامل اقتصادی ذکر شده، زن‌خلنه‌دار برای کسب ثروت، راحت‌طلبی، رهایی از کمبودها و نگرانی‌ها، بدست آوردن آزادی عمل، ارزش، جایگاه و دیده شدن رو به اشتغال در خارج از خانه آورده است که باعث عدم حضور ناکافی زن در خانه و تضعیف نقش خانه‌داری زن شده است.

اما عوامل فرهنگی که باعث تضعیف نقش خانه‌داری زن شده است عبارتند از: تجمل‌گرایی، الگوی نامناسب و تقلیدهای ناصحیح، تغییر نگرش نسبت به زن و خانه‌داری. این عوامل فرهنگی باعث افزایش هزینه‌های خانواده، تغییر رفتار و از دست دادن هویت زنان خواننده شده است. زن‌خلنه‌دار برای جبران هزینه‌های اضافی خانواده و خود، تجربه هویت و الگوی رفتاری جدید، مسئولیت و نقش اصلی خود که نقش خانه‌داری است را رها می‌کند و در بیشتر موارد به اشتغال در خارج از خانه روی می‌آورد.

انحرافات و آسیب‌های ایجاد شده به دلیل عدم حضور فعال زن در خانه، مخصو صاً در بحث تربیتی باید زنگ خطری باشد تا دولت‌مردان چاره‌ای بیندیشند و ارزش و جایگاه نقش خانه‌داری زن را احیا کنند تا زنان دوباره برای حفظ نقش خلنه‌داری خود ترغیب شوند. از جمله این اقدامات می‌تواند حمایت‌های مالی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مثل بیمه زنان‌خلنه‌دار و ارزش‌گذاری نقش خانه‌داری باشد. در زمینه بیمه تامین اجتماعی زنان‌خلنه‌دار طرح‌های ارائه شده و کارهایی انجام شده است، اما همه زنان‌خلنه‌دار را به صورت رایگان تحت پوشش قرار نداده است. دشمن بیشتر از هر کسی به ارزش و جایگاه نقش زنان‌خلنه‌دار به خصوص زنان‌خلنه‌دار ایرانی پی برده است و در این زمینه برای دور کردن زنان از نقش مسئولیت خانه‌داری خود، دست به اقدامات فرهنگی زیادی، جهت تغییر فرهنگ و سبک زندگی زنان زده است.

بنابراین برای از بین بردن عوامل فرهنگی ضعیف نقش خانه‌داری زن، دولت‌مردان و سازمان‌های مردم‌نهاد حتی تک‌تک افرادی که پی‌به‌ارزش و جایگاه نقشه‌خانه‌داری زن برده‌اند، باید با اقدامات فرهنگی و آگاهی‌بخشی به مردم، ارزش و جایگاه خانه‌دار زن را تبیین نمایند.

منابع

افسر دیر، حسین و رحیمی، عصمت (۱۳۹۳)، «آسیب شناسی تحنل گرایی در رفتارهای فردی و راهکارهای قرآنی و روایی پی‌شگیری از آن»، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانا، شگهای (SID).

زغرانچی، لیلا سادات (۱۳۸۸)، اشتغال زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ اول.
طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۷)، زن‌آنگونه چه باید باشد، اصفهان؛ لب‌المیزان، چاپ دوم و چهارم.
یزدانی، عباس و جندقی، بهروز (۱۳۸۸)، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ دوم.

مقالات

ابراهیمی، طیبه و فرهادی، زهرا، «تاثیر متغیر استقلال مالی زنان در برخورداری آنان از حقوق شهروندی»، نشریه پویش در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، 1402 ه.ش، شماره ۳۱.
احمدپور، مریم، «زنان، ازدواج، خانه‌داری و تربیت فرزندان در اندیشه اسلامی»، فصلنامه علمی-تخصصی اسلام و علوم اجتماعی، 1390 ه.ش، شماره ۵.

برادران، مراد و جوادی، علی محمد و یآوری، خدیجه، «چالش‌های اجتماعی و فرهنگی زنان شاغل: شرایط، راهبردها و پیامدها (مورد مطالعه: معلمان زن شهر گلپایگان)»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، 1402 ه.ش، شماره ۱.

سجادی امین، مهدی، «حقوق مالی زوجه»، انتشارات هورا، ۱۳۸۸ ه.ش، شماره ۳۳.
شریفی، الهام و رهایی، سعید و راعی، مسعود، «عدالت سنجی شغل خانه‌داری زنان خانه‌دار»، آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، 1396 ه.ش، شماره ۱۵.
عبدی و رمزان، مراد، «بررسی نقش نگرش در رفتار، با تاکید بر رفتارهای مصرفی»، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.

علیزاده اقدم، محمد باقر و دیگران، «فهم‌خلنه داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن از منظر زنان خانه‌دار شهر قم»، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه‌توسعه اجتماعی، 1400 ه.ش، شماره ۹۶۵.

موسوی جهرمی، یگانه و دیگران، «برآورد ارزش اقتصادی کارخانه‌داری با استفاده از رهیافت استون-گری و روش ارزش افزوده»، فصلنامه اقتصاد و الگو سازی، دانا شگاه شهید بهشتی، 1398 ه.ش.

ندری ابیانه، فرشته، «خانه داری، اشتغال و زنان ایرانی، بانوان شیعه»، ۱۳۸۵ ه.ش، شماره ۹.